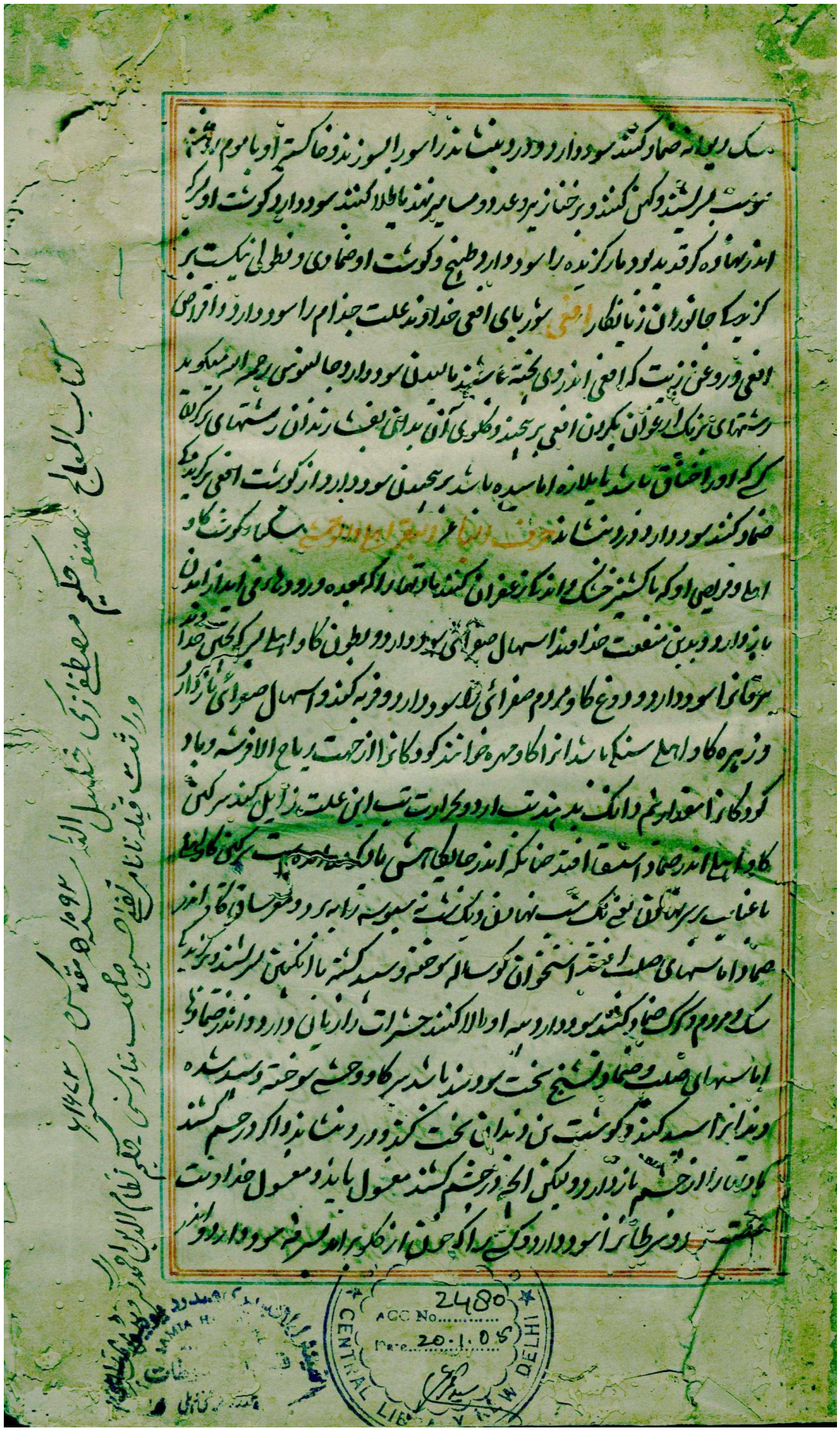

15013

سود و گوشت او بغایت رنداب او بکلوی است قوی و زود ریزند خام پیرد حرف الیم جمل گوشت
شتر گرم کشنده است گویان او دود کنند بواسیر را سود دارد از شیر شتر جانوران هم باشد
که وضع بدبدایند مگر از شیر شتر و همه شیرها خداوند در خلد سپرز را از یاران دارد و مگر شیر شتر
که خداوند استقا را سود دارد اگر شیر شتر اعرابی بود و شیر او با بول او بدهند و اگر بار و غن بادام
دهند صلابت احشا را ببرد شیر شتر اعرابی حمض را لمک بدو خداوند بواسیر را خداوند ضیق
النفس را سود دارد و هر بامداد شتر مقدار یک مثقال بخورند و قولنج جمل کشند و بخورند هشت از وقت می معت
به دوازده ساعت قوتی عظیم دهد ماه را اندر کار دارد که ریخه دارد به آب سرد غسل کند قصبه
و نهال شتر مست بسوزند و خاکستر آن خراب کهن بر نشند و بر قضیب طلا کنند قوتی عظیم دهد
شحم شتر کباب کنند و بر بای که از موضع سود نباشد در نیش کشته و الماسی کرده بر نهند الماس را
به برد و در دهنها نهند و همه الماسهای دیگر را بسود دارد موی را به بول شتر اعرابی بشویند
سبوسه را ببرد و اندر آرد و بر موضع قانوق بگویند کرد ماغ شتر خشک کرده ناخن آن را بسوزند و بر موضع
بدهند سود دارد جراد از انواع ملخ بتر است گوشت او کردست و بریزند بنت و دو به باید که
باشد دو از ده از آن بگیرند و سر او و اطراف بکنند و آن را با اندک برک مورد خشک همان بخورند
خداوند استقا را سود دارد و را بریان کرده خورند نقطیر البول را و کزدم گزیده را سود دارد و را
دود کنند خداوند زعیر البول و خداوند بواسیر را سود دارد و اگر خداوند عیر البول آن باشد منفعت
آن او را بدهند حرف الحاء محمد الاجنحة والوحش گوشت خرابها و جگر او بسوزند و بر روغن زیت
بپیچند بر طرف قیدکا و بیت و بای دردی که از سر ما طرف شده باشد طلا کنند سود دارد و جگر او سوخته
با روغن زیت بر خنازیر طلا کنند سود دارد و جذام را هم بزداید گوشت خرابها بپزند و خداوند
گوشت را در شوربای او نوشند سود دارد و جگر او بریان کرده مصروع را نانشتا بدهند سود دارد و سم
او سوخته و سوده بخورند سود دارد و از سم او انگشتری کنند مصروع در انگشت دارد سود دارد و
بخاصیت به خرابها بشناسد کند باه قوت دهد بسر خرابها سرفه را دق و سل را سود دارد

واقعی در منفعت فرقی از همه باشد طبخ مار کرده و نمال او حذا کرده باشند سودمند گوشت
مادیه بهتر بود و پوست مار نر و خاصیت گوشت مار انست که اگر کسی خورد که آندرین او فضله
باشد از فضله را سوی پوست آرد و بدین سبب بسیاری اندر اندامها پدید آید و اندر کتب
آرند که یکی را دیدند که گوشت مار خورده بود بر کردن او خراجی پدید آمد و نشکافتند بسیاری
بسیار یافتند اندرونی و طبخ او گوشت او قوتها را مدد کند و خاستها را تیز کند و جوانی
بر دوام نگاهدارد و خدا و ند جذام را و خداوند خفقان پیرا و خداوند درد عصبها را اگر از سردی
بود سود دارد و نمک او نیز سود دارد طبخ او طلا کردن بر جذام سود دارد و پوست او اندر آب
بجوشانند و بگوشش اندر چکانند درد گوش را سود دارد و اگر مار سر کوبیده بجوشانند و دندان سرکه
کنند خداوند درد دندان را سود دارد و مهر مار با خویشتن دارند سود دارد و نبض گفته اند مهره
مار سنگ شاه را بیرزاند و جالینوس این را نگفته است **حربا** حانوریست از جنس کرکاسه
بزرگ سوسمار روی مانند آفتاب دارد گفته اند خون او بر جایگاه موی که از جشم برآید
طلا کنند موی را نبشت کند **حلزون** حانوریست خون را سود کند او بسوزانند اندر
دارو های چشم بکار آید **حرف الخاء** **خ** حانوریست معروف خایه او را جذبه بسیار
گویند بهتر آن باشد که در خایه او پوست پیدا باشد و آنچه بدین صفت نباشد منفعت کمتر
باشد و خون آن با جاوشیر و صمغ کنند و لختی جذبه بستر نان بیامیزند و بخورند ادرار
شاشه کشاده کند و خشک کند بکمست رطوبتی را و خداوند نار را سود دارد و خداوند سپاس را
که تب بود با سرکه در روغن گل بپویانند و طلا کنند سود دارد و خداوند لیشی عشی بدهند سود دارد
و خداوند سنبات را با نمکین و پنبل دهند و در دسر که از باد و از سردی بود بپویند و ضماد
آن را بل شود یک عدد بس از دی با روغن نارد بدین گوشی اندر چکانند درد گوشی که از
باد بود زایل شود و آماس سنبی را که از باد و غلظ بود بپویند و خداوند فواق استلای را
با بره بدهند سود دارد و خداوند نفض را لهم با سرکه بدهند سود دارد و دو درم از جذبه بستر